

## دومین یادداشت حجت الاسلام پناهیان پس از وقایع یمن / "جمهوری اسلامی، شاخه ایرانی «انقلاب جهانی اسلام»"

حجت الاسلام پناهیان به مناسبت دوازدهم فروردین ماه - روز جمهوری اسلامی ایران - یادداشتی در پایگاه اطلاع رسانی بیان معنوی منتشر کرد. متن این یادداشت را در ادامه می خوانید:

بسم الله الرحمن الرحيم

### جمهوری اسلامی، شاخه ایرانی «انقلاب جهانی اسلام»

سال روز نهادینه شدن نهالی از انقلاب جهانی اسلام در ایران مبارک باد. نهال «جمهوری اسلامی» شاخه ایرانی شجره طیبه انقلاب جهانی اسلام است که تاریخی به قدمت و عظمت اسلام دارد. انقلابی که سرآغازش از مکه مکرمه بود و مقدماتش را تمام انبیاء فراهم کرده بودند. **بذر شجره طیبه «انقلاب اسلامی» در کنار چشمه زمزم به دستان پاک پیامبر اکرم (ص) کاشته شد. در مکه آن را سرکوب کردند، از مدینه سربرآورد. در مدینه مظلوم واقع شد و در کوفه به اقتدار رسید. در کوفه با ناجوانمردی خواستند آن را به خاک بسپارند، در کربلا قیام کرد. در عاشورا آن را به خاک و خون کشاندند تا نابودش کنند، ریشه های خود را در دل زمین گستراند و جاودانه شد؛ تا در زمان ما جلوه گر گشت و ۲۲ بهمن ۵۷ سرزمین ما را رویاند.** ما از این شجره تنومند طیبه که در جان جامعه ما سر از خاک تاریخ بیرون زده بود، شاخه های با نام «جمهوری اسلامی ایران» دریافت کردیم و آن را به مثابه نهالی نهادینه کردیم که زیر سایه آن زندگی کنیم.

پس اولاً بهتر است به جای آنکه انقلاب اسلامی را متعلق به خودمان بدانیم، خود را به آن متعلق بدانیم. امام در این باره می فرمودند: «همه ما در پناه اسلام هر چه داریم هست. ما چیزی نیستیم خودمان، هر چه هست اسلام است. و ما در پناه اسلام اگر چیزی باشیم، هستیم» (صحیفه امام/۴۷۷/۹). از همان اول معلوم بود که این انقلاب ریشه در تاریخ دارد و سرشاخه هایش نیز در حصار مرزهای ما باقی نخواهد ماند؛ شعارهای جهانی بود و ریشه هایش در تمام تاریخ و خاک منطقه امتداد داشت. سال ها بر تنه آن کوبیدند تا آن را قطع کنند و شاخ و برگ های آن را بشکنند، که سایه اش به همسایه ها نرسد، اما هم اکنون می بینیم شاخسارهایش بر تمام منطقه سایه افکنده و میوه هایش را به تمام مردم منطقه رسانده است. به تعبیر بهتر، نهال های نو و مقاومی در هر منطقه از ریشه های خود رویانده است. مقاومت یکی از ثمرات این انقلاب است، بیداری اسلامی یکی دیگر. **اخیراً اقتدار مظلومان در مقابل ظالمان یکی دیگر از جلوه ها و جوانه های آن است که امروز بیش از هر کجا در یمن سر از خاک برآورده است. این انقلاب، جهانی خواهد شد چون ریشه هایش در خاک و سرشت آدمیان در سرتاسر عالم وجود دارد و منطقه اسلامی ما به نهالستانی برای صدور شاخه های آن به جهان مبدل خواهد شد. و روزی خواهد رسید که تمام انقلابیون را به مکه یعنی زادگاه اولی این انقلاب فرا بخوانند، شاید مردم انقلابی یمن برای حضور در مکه آماده می شوند.**

ثانیاً باید بدانیم نظام ما تا زمانی حیات دارد که از اصل خود یعنی «انقلاب اسلامی» جدا نشود. جمهوری اسلامی تا هر کجا در رفتارها و ساختارهای خود، انقلاب را نهادینه کرده، موفق بوده و هر کجا مانند تمام نظام های غیرانقلابی به سوی ارزش های غیراسلامی حرکت کرده است، مانند دیگر نظام های غیرانسانی جهان، ناکام مانده است. بعضی

می‌پندارند انقلاب قابل نهادینه شدن نیست و آن را یک وسیله سیال و گذرا تلقی می‌کنند که نمی‌شود در ساختارهای باثبات اجتماعی حفظ شود. آنها نگاهی سطحی به انقلاب دارند و انقلاب را نوعی شلوغ کردن تصور می‌کنند؛ نه تحول در نظام ارزش‌های یک جامعه که باید بر اساس آن ساختارهای جامعه را شکل داد. آنها یا ذهن خود را محدود به انواع اندکی از نهادها و ساختارهای اجتماعی کرده‌اند و خود را از تفکر و خلاقیت بازداشته‌اند و یا مرعوب هیمنه پوشالی تمدن غرب شده‌اند و تا تمدن غرب مضمحل نشود به خود نمی‌آیند. غافل از اینکه فلسفه جمهوری اسلامی نهادینه کردن اسلام انقلابی در جامعه است.

**آنهايي که انقلاب را به شورش ترجمه و تفسیر می‌کنند، طبیعتاً ترجیح می‌دهند قانون‌گذاران و مجریان قانون کمی ضد انقلاب باشند. این نگاه به انقلاب در برخی از انقلابیون قدیم رواج یافته است. آنها تصور می‌کنند انقلاب برای به هم ریختن نظام ستم‌شاهی خوب بود نه برای بنیان‌گذاری «ثبات اجتماعی». آنها لازمه عقلانیت را در غیرانقلابی بودن می‌دانند و به منطق ضدانقلاب‌ها در اداره جامعه حق می‌دهند. غافل از اینکه رژیم ستم‌شاهی چیزی جز نتیجه همین عقلانیت پوشالی که غربی‌ها ادعا می‌کنند نبود. امروز تمام غرب‌زده‌ها که اندیشه‌هایشان تاول زده باید به جنایت‌های غرب علیه بشریت بیشتر نگاه کنند، تا شاید بفهمند ریشه این همه جنایت کجاست. آیا عقلانیت قلابی که مقابل ارزش‌های انقلابی است منشأ این همه جنایت نیست؟ آیا نتیجه دموکراسی و حقوق بشر این همه جنایت در حق بشریت نشده است؟ نکند آنها معتقدند غرب نتوانسته است شعارهای دموکراسی و حقوق بشر را به خوبی پیاده کند؟ این تصور را در اول انقلاب هم، آنهايي که شیفته مارکسیسم بودند، داشتند. وقتی از مشکلات و جنایت‌های کشورهای کمونیستی می‌گفتیم، می‌گفتند آنها نتوانسته‌اند به خوبی مارکسیسم را پیاده کنند. غربی‌ها کجای دموکراسی و حقوق بشر را به خوبی اجرا کرده‌اند که این همه جنایت و آدم‌کشی را رواج می‌دهند و روا می‌دانند؟ آیا درک این حقیقت دشوار است که این شعارها از اساس فریبا بوده‌اند و خدعه‌ای برای چپاول ملت‌ها بوده‌اند؟**

باید حقانیت شعارهای انقلاب را در ساختارهای جمهوری اسلامی به اثبات رساند تا جهان از تصور تک‌راهه بودن حرکت بشر در مسیر بیراهه‌ای که ساخته‌اند نجات پیدا کند. «جمهوری اسلامی» اساساً یک نهاد انقلابی است و این کافی نیست که کارگزاران نظام اعم از قانون‌نویسان و مجریان قانون تنها به انقلاب ۵۷ معتقد باشند ولی در طراحی نظامات فرهنگی، اجتماعی و حقوقی به دست دشمنان انقلاب نگاه کنند.

علیرضا پناهیان

۹۴ / ۱ / ۱۲

